



● ۱ اسفند: دل دریایی مهدی باکری - شهردار شهر خویی ها - میزبان جزیره مجنون شد (۱۳۶۳)

هم زمان با خدمت در سپاه، سمت شهرداری ارومیه را به عهده گرفت. زمانی که در شهرداری فعالیت می کرد با حقوق خودش که حدود ۱۲ هزار تومان بود چند نفر را استخدام کرده بود که در شهرداری به فعالیت می پرداختند. تا نیمه شب کار می کرد و روزها به مناطق محروم می رفت و آن قدر در تکا پو بود که حتی گاه فرصتی برای ناهار خوردن، پیدا نمی کرد و لذا به مقداری نان خالی پسند می کرد. یک شب برف باریده بود؛ شهید باکری صبح زود برای تمیز کردن خیابان ها بیرون رفت. با اخلاص بی نظیری کار می کرد، آن چنان که موی بر اندام همه راست می شد.

● ۱۹ اسفند: غریو بیداری سید جمال الدین اسد آبادی، در گوش دنیا پیچید. (۱۲۷۵)

او بود که بیدارسازی را در کشورهای اسلام آغاز کرد. دردهای اجتماعی مسلمانان را با واقع بینی بازگو نموده، راه اصلاح و چاره جویی را نشان داد. نهضت سید جمال نهضتی فکری و اجتماعی بود که در نتیجه تحرک و پویایی و شناخت زبان و جهان، با دردهای کشورهای اسلامی آشنا شد. سید جمال مهم ترین درد جامعه اسلامی را استبداد داخلی و استعمار خارجی تشخیص داد و با این دو به شدت مبارزه کرد و در نهایت، جان خود را در همین راه از دست داد. شهید مطهری



● ۲۵ اسفند: حلیجه منجمد و آرام در خوابی عمیق فرو رفت (۱۳۶۶)

عید کریسمس بود. آن دور ترها، پاپانوتل برای بچه ها عیدی آورده بود. این نزدیکی ها، دولت های بشر دوست!! برای بچه های حلیجه، هدیه فرستادند؛ اشک و گاز و مرگ...



● ۲۵ اسفند: سید احمد خمینی - پس از چند سال دوری از پدر - ندای حق را لبیک گفت. (۱۳۷۳)

حضور ممتاز در کنار پدر پرافتخارترین دوران عمر با برکت ایشان را رقم می زند. همه جا - همچون سایه - با امام بود. تدبیر او در به سامان رسیدن سفر امام از بغداد به پاریس و هدایت بیت و دفتر امام در آن کشور، کار دشواری بود که به خوبی از عهده آن برآمد؛ «این نقش تابدان حد مؤثر بود که امام در وصیتنامه خودشان می نویسند: «بامشورت احمد، پاریس را انتخاب کردم».

فیروز امروز، فرحا

● ۲۹ اسفند: دست بیگانگان از چاه های نفت ایران کوتاه شد.

صنعت نفت ایران در تمام مناطق کشور ملی شد، یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره برداری در دست دولت قرار گرفت.

امروز

● اول محرم: آغاز سال ۱۴۲۵ هجری قمری

اگر نبود خون حسین (علیه السلام) خورشید سرد می شد و دیگر در آفاق جاودانه شب نشانی از نور باقی نمی ماند... حسین (علیه السلام) چشمه خورشید است.

● دوم محرم: ورود قافله عشق به سرزمین طف

یاران، این قافله عشق است و این راه که به سرزمین طف - در کرانه فرات - می رسد، راه تاریخ است و هر بامداد این بانگ از آسمان می رسد که: الرحیل الرحیل. از رحمت خدا دور است که این باب شیدایی را بر مشتاقان لقاء خویش ببندد.

● ۲۴ اسفند: چشمهای زیبا و منتظر حاج محمد ابراهیم همت به وصال محبوب رسید (۱۳۶۳)

ابراهیم چشم های زیبایی داشت که هیچ گاه آرام نداشتند. یا اشک دعا و توبه سرخ بود یا از خستگی جنگ روز و بیداری شب. هیچ کس نمی توانست حدس بزند که سال ها بعد، در جزیره مجنون ترکش بزرگی سر ابراهیم را کنار همین آب فرات قطع می کند و بدنش سه روز بی نام و نشان باقی می ماند تا اینکه...



● ۱ اسفند: مسافر ملکوت - شیخ فضل الله محلاتی - به مقصد عشق رسید. (۱۳۶۴)

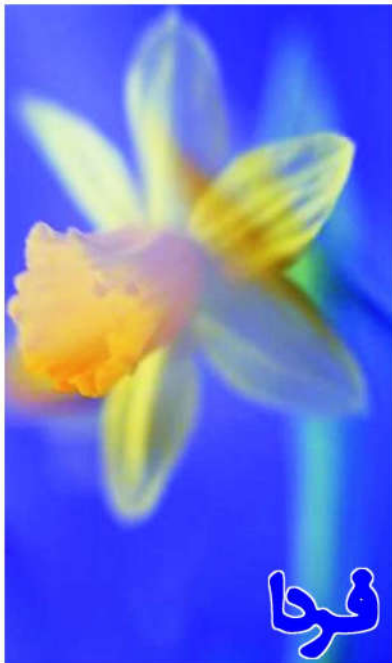
شهید محلاتی، عشق و ارادت وافر به امام داشت. هرگاه امام مسأله ای را بیان می کردند مثل یک امر تبعی، برایش لازم الاجرا بود. پس از سال ها خدمت - هنگام اعزام به جبهه - هواپیمای آنها مورد حمله دو جنگنده عراقی قرار گرفت و با هشت تن از نمایندگان مجلس، شربت شهادت نوشیدند.

● ۷ اسفند: علامه علی اکبر دهخدا، جان به جان آفرین تسلیم کرد (۱۳۳۴)

زندگی دهخدا، لبریز از خلاقیت و آفرینندگی است - خلاقیت در شعر و نثر، نوآوری در سیاست، ابتکار در مسائل اجتماعی، خلاقیت در روزنامه نگاری و نوآوری در روش تحقیق و ادب پارسی. از حیث خصوصیت های اخلاقی و انسانی نمونه بود. دهخدا در دورانی پراشوب و مملو از حوادث تاریخی وطن که مفاهیم اصیل زندگی به اوج بیگانگی رسیده بود به دنیا آمد. در چنین دورانی دهخدا قدم به صحنه زندگی اجتماعی گذارد. او تمام زندگی اش را وقف مبارزه با استعمار و استبداد کرد. عمر بسیار باید پدر پیر فلک را تا دگر مادر گیتی چو تو فرزند بزاید

این شخص تبخر خاصی در علوم دارد. مشکلاتی که در علوم مختلف برایش پیش آمده بود پرسید و آن شخص به همه سؤالات پاسخ داد. تا این که آن شخص فتوایی داد که علامه منکر آن شد و گفت: دلیل و حدیثی بر طبق این فتوا نداریم. آن شخص گفت: شیخ طوسی در کتاب تهذیب، در فلان سطر و صفحه حدیثی را در این مورد ذکر کرده: علامه در حیرت شد که او کیست. پرسید آیا در زمان غیبت کبری می توان حضرت صاحب الامر (علیه السلام) را دید؟ در این هنگام عصا از دست علامه افتاد و آن شخص خم شد و عصا را از زمین برداشت و در دست او گذاشت و فرمود: چگونه صاحب الزمان را نمی توان دید، حال آنکه دست او در دست تو است. علامه بی اختیار خود را در مقابل پای حضرت انداخت و بی هوش شد. وقتی به هوش آمد کسی را ندید...

پس از بازگشت به حله، به کتاب تهذیب مراجعه کرد و به خط خود در حاشیه آن نوشت: این حدیثی است که حضرت صاحب الامر (علیه السلام) به آن خبر داد و به آن راهنمایی کرد.



فرا

اگر تو بیایی غنچه های تاریخ شکفتن را آغاز می کنی و پروانه های تبعیدی به فلاتها و جلگه های اجدادی خود بر می گردند.

اگر تو بیایی هر شاخه پذیرای سبزی شکوفه خواهد شد.

اگر تو بیایی با دها نسل گیاهان را تا دور دست بیابانها خواهند برد و جوی باران به شکرانه مقدمت بوسه بر لب های خشک خواهند نهاد.

بیا که شمشیر در تالار شکوفه چکامه می خواند و خنجرها التماس رگها را نمی شنوند. بیا که خارها از برهنگی پاها شرم ندارند و آبها در بی سرانجامی بسترها هدر می شوند.

بیا و شب قطبی را به شعله خورشیدی برافروز و برهوت زمین را به ظهور لاله ای آبادان ساز!

بیا و پرچم ظفر نمون شقایق را بر قله های رفیع فریاد برافراز و در مجلس آبها خطابه نیلوفر بخوان.

بیا تا در خلصه چشمت گل های آبی شکوفا شوند و آبشار از کلامت جویباران بی قرار غزل جاری گردد.

احمد عزیزی، نافله ناز



● دوازدهم محرم: شهادت مفسر عاشورا، صاحب زیور آل محمد (علیه السلام) امام زین العابدین (علیه السلام)

ای ناب ترین قصیده غم
سجاده (علیه السلام) صحیفه محرم
ای نای تو نینوای فریاد
جان سوخت به بانگ نایت از غم
گل روضه سرخ کربلایت
از خون شهید عشق، خرم
نام تو به سجده گاه تاریخ
روشن ز فروغ اسم اعظم
در باغ بهشتی دعایت
گل کرده زیور جان آدم
هر صفحه ای از صحیفه تو
بر زخم عمیق شیعیه، مرهم
نصرالله مردانی

● ۲۱ محرم: غروب ستاره حله - علامه حلی

او در تمام دانش ها علامه بود و گوی سبقت را از دیگران ربود.

شب جمعه که فرا می رسید. بوی تربت مقدس اباعبدالله الحسین (علیه السلام) علامه را بی تاب می کرد و از حله به کربلا می کشاند. در یکی از هفته ها که به تنهایی در حال شرکت بود شخصی همراه وی راه افتاد و با هم مشغول صحبت شدند. در ضمن صحبت برای علامه معلوم شد

● ششم محرم: غروب نابهنگام ستاره ای از افق بغداد - سید رضی - در سن ۴۷ سالگی

هر روز که سپری می شد برگ زرینی به دست توانای سید رضی بر تاریخ تابناک اسلام افزوده می گشت. برای کتاب وحی تفسیر نوشت، احکام فقه را تدوین کرد، با اشعار نغز خود سیل معارف روان ساخت و... با این همه احساس خلأ و کمبود می کرد، گویا برای رسالتی دیگر آفریده شده است، رسالتی بس بزرگ. او به خوبی می دانست که رسالت بدون امامت ناقص است و شهر علم پیامبر (صلی الله علیه و آله) بدون وجود علی (علیه السلام) شهری بی دروازه می ماند.

شریف رضی با این تفکر الهی کار بزرگی را آغازید. همان کاری که ثمره شیرینش در کلام بلند مولا

علی (علیه السلام) به بار نشست و کتاب جاوید نهج البلاغه را به ارمغان آورده، نام و یاد سید رضی را برای همیشه زنده نگه داشت. در حقیقت او اولین عالمی است که کلمات و خطبه های سراسر بلاغت امیرمؤمنان (علیه السلام) را تدوین کرد.



● نهم محرم: صوراسرافیل دله، تاسوعا

یک روز تا وصال، تا اسارت و تازیانه و غربت باقی است. یک روز تا تقسیم حسین میان زمین و آسمان، تا بوسه تیر بر مشک، گل خنده حلقوم اصغر و تا وداع آخرین حسین (علیه السلام) یک روز تا بازگشت زین و ازگون ذوالجناح شرمسار بی سوار و تا حریق جگر سوز خیمه ها. یک روز تا قهقهه مستانه پیش قراولان قساوت و طلایه داران ظلمت و جنایت، یک روز که همه فرداست، همه زمان و قاموس بزرگ قیام. دکتر محمد رضا سنگری

● دهم محرم: غریبال دهر - عاشورا -

دهه خجل شد و اگر صبر خیمه بر آفاق زنده بود، آسمان اشتیاق می یافت و خورشید چهره از شرم می پوشاند و سوز دل زمین دریاها را می خشکاند و... سالهای دریغ فرا می رسید.

آن شور بختان خجل نشدند اما آب و خاک و آتش و یاد، سخن امام را در لوح محفوظ باطن خویش به امانت گرفتند و از آن پس هر جا که آب از چشمی فرو ریخت و خاک، سجاده نمازی شد و آتش دلی را سوخت و یاد، آهی شد و از سینه ای برآمد، این سخن تکرار شد، از خاکی که طینت تو را با آن آفریدند باز پرس... از آبی که با آن خاک آمیخته اند، از آتشی که در آن زده اند و از نفخه روحی که در آن دمیدند باز پرس، تا دریایی که چه امانت داران صادقی هستند. تاریخ، امانت دار فریاد هل من ناصر حسین است و فطرت، گنجینه دار آن... و از آن پس کدام دلی است که با یاد او نتپد؟ مردگان را رها کن، سخن از زندگان عشق می گویم.



● مرگ برنده بدشانس

از جریان بلیت‌های بخت‌آزمایی که با خبر هستید. در این میان هم یک بخت‌آزمایی برگزار شده، اما برنده هفتاد و سه ساله بلیت بخت‌آزمایی پنجاه و هفت هزار دلاری، بعد از حاضر شدن در برنامه زنده تلویزیونی، موقع خروج از استودیو با یک کامیون تصادف کرد و مرد. به نظر شما باید گفت برنده خوش شانس یا بدشانس؟!

● مستند عاشورایی فیلمساز

لبنانی

کایتاجار جورا، فیلمساز لبنانی که در حال ساخت فیلم مستندی درباره مراسم روز عاشورا در کربلاست، ابراز تمایل کرد که در ایران نیز مستندی درباره عاشورا بسازد. کایتاجار معتقد است این فیلم مستند بر نقش واقعی عاشورا و تأثیر آن بر قیام و جنگ مسلمانان دو کشور شیعه خواهد پرداخت. باید از او پرسید آیا واقعاً می‌توان عظمت و کرامت عاشورا را در مستندی ثبت کرد؟ اگر این‌طور است، پس یا علی!

● صد و بیست و هشت هزار دلار

به خاطر یک جوش

هی متخصصان می‌گویند: «مواظب پوستتان باشید»، «جوش‌ها را نترکانید» اما هیچ‌کس گوش نمی‌دهد. نمونه‌اش یک زن آلمانی که موقع رانندگی در حال جنگ با جوش‌هایش بود که با چهار خودرو برخورد می‌کند! این زن که هنگام رانندگی، در آینه متوجه جوش صورتش شده و مشغول کندن آن می‌شود، صد و بیست و هشت هزار و سیصد دلار خسارت به بارآورده است. شما هم اگر با جوش‌های صورتتان درگیر هستید، اما قصد خودکشی ندارید، لطفاً آینه جلوی ماشینتان را در بیاورید!!

عبور و توقف و... بی‌خبرند. این یعنی استفاده از بی‌پروا ترین شیوه‌های استفاده از دوربین مخفی. لطفاً با این شرایط بر روی حریم خصوصی انگلیسی‌ها هیچ حسابی باز نکنید!



● استقلال و پرسپولیس، خوردنی شدند

همین را کم داشتیم که استقلال و پرسپولیس هم نوشابه‌دار شوند! کم سرشان سروصدا داشتیم و همه‌جا بحث قرمز و آبی بود، حالا برای خوردن نوشابه هم باید جواب دهیم که طرفدار قرمز هستیم یا آبی؟ نوشابه‌های ورزشی استقلال «Spoquer» و پرسپولیس «Pers Power» توسط یک کارخانه اتریشی تولید شده و از یک سال آینده هم این شرکت تولیدی در کشور مستقر می‌شود.

در مورد اینکه طرفداران هر تیم، چه نوشابه‌ای را برای نوشیدن انتخاب می‌کنند، بیشتر فکر کنید. ما که به نتیجه نرسیدیم. مثلاً اگر استقلالی‌ها که نوشابه استقلال می‌خرند، نوشابه‌های پرسپولیس را سر بکشند، آن وقت چه اتفاقی خواهد افتاد؟!

● زشت‌ترین زن جهان

همزمان با برگزاری مسابقات ملکه زیبایی در چین، یک مسابقه جهانی هم برای مشخص شدن زشت‌ترین زن جهان در شانگهای برگزار شد. حدس بزنید جایزه این مسابقه چقدر بوده؟! دوازده هزار دلار! فکر می‌کردید زشت بودن این‌قدر ارزش داشته باشد؟ در هر صورت برنده مسابقه موقع دریافت جایزه اعلام کرد که این مبلغ را برای جراحی پوست صرف خواهد کرد!



● طراحی بمب الکتروشمیایی توسط بسیجی شانزده ساله

محمد هادی کامرانی، نوجوان بسیجی شانزده ساله نام خودش را در لیست مبتکرین ثبت کرد. واقعاً باید گفت دست مریزاد. در شرایطی که از چپ و راست بر پیشرفت تکنولوژی اتمی ایران خرده می‌گیرند. محمد هادی عزیز، بسیجی بود. ذهن خلاق محمد هادی، بمب الکتروشمیایی طراحی کرد. به گفته خودش، از این سیستم می‌توان در عملیات نظامی و دفاعی، تخریب موانع و پایگاه‌های دشمن، از بین بردن اسناد و مدارک سری و عملیات محرمانه استفاده کرد. البته این خبر علی‌رغم اهمیت فراوانش، متأسفانه انعکاس چندانی در مطبوعات نداشت!



● پسران گرسنه بهتر یاد می‌گیرند

تحقیقات جدید در ایرلند نشان داد که دخترها نسبت به پسرها به صبحانه کامل‌تری نیاز دارند؛ تا بتوانند در امتحانات مدارس، موفق شوند. جالب این‌جاست که در تمام تست‌های حافظه و دقت که از دختران و پسران گرفته شده، پسرها وقتی می‌توانستند، بهتر جواب دهند که کمی گرسنه بودند. در حالی که دخترها پس از صرف یک صبحانه راضی کننده بهترین جواب را دادند.

● اسرائیل بدشانس

این اسرائیل بدبخت، انگار در تمام طرح‌هایش باید شکست بخورد. از نقشه راه گرفته تا طرح جدیدش، یعنی استفاده از واحد زبده شترها! اخیراً ارتش رژیم صهیونیستی در بلندی‌های جولان اشغالی، شترهایی را مستقر کرده بود، تا مأموریت مهم خوردن بوته‌ها و علف‌های خشک را بر عهده بگیرند. به این ترتیب از آتش سوزی و انفجار مهمات اردوگاه‌های نظامی اسرائیل جلوگیری کنند.

ظاهراً سرمای منطقه با مزاج شترها جور در نیامده و این نفرت زبده به خاطر عدم رسیدگی مسئولان، یکی پس از دیگری یخ زده‌اند. سازمان دفاع از حقوق حیوانات هم قصد دارد علیه ارتش صهیونیستی به دادگاه شکایت کند...

● ایجاد اشتغال با فروش کلیه!

رییس انجمن بیماران کلیوی اعلام کرده است که نود و پنج درصد اهداکنندگان کلیه بی‌کار هستند. به نظر می‌رسد، بی‌کارها از پس شعار مبارزه با بی‌کاری را شنیده‌اند، خسته شده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که خودشان باید تولید فرصت‌های شغلی کنند، آن هم فروشنده‌ای از نوع کلیه.

● انگلیس رکورددار دوربین مخفی

در انگلیس بیش از چهار میلیون دوربین مخفی مدار بسته در خیابان‌ها نصب شده است، یعنی به ازای هر چهارده نفر یک دوربین! هر روز هم تمام رفتارهای تک تک افراد، ثبت می‌شود. در حالی که بیشتر مردم از وجود این تجهیزات در محل کار و

می‌کشد تا به آن برسند. اصلاً هم لازم نیست، این عدد را حفظ کنید. مطمئن باشید در امتحان نمی‌آید. فقط جهت اطلاع گفتیم. حداقل شکل آن را بدانید: ۱-۲۰۹۹۶۰۲

● کلاتری یا مسجد؟

گروهی از زنان مسلمان هندی به عنوان «سایه» در اعتراض به تصمیمات مردان به ویژه در مواردی مانند طلاق، تصمیم گرفتند، مسجد زنانه‌ای بسازند. تشکیل دهنده این گروه اعلام کرده که جماعت «محل حل و اختلافات در مساجد» در مسائل خانوادگی به نفع مردان رأی می‌دهند. به همین خاطر تصمیم دارند با ساخت این مکان مقدس برای یافتن راه حل مشکلات زنان مسلمان تلاش کنند. روحانی این مسجد هم یک زن خواهد بود. باید از این گروه پرسید: دنبال ساخت مسجد هستی یا کلاتری، دادگاه...؟!

● تعبیر دانش آموزان شهریاری برای بیدار نگاه داشتن رانندگان

دو دانش آموز شهریاری با ابتکاری سعی کردند مشکل تصادف‌هایی را که بر اثر خوابیدن راننده‌ها، اتفاق می‌افتد، حل کنند. مریم شیخلو و لیلا مصطفوی، دانش‌آموزان سال سوم تجربی، دستگاه جلوگیری از خواب آلودگی را اختراع کردند. این دستگاه بر روی مچ دست بسته می‌شود و از طریق حساسیت نسبت به میزان حرارت بدن، فعال می‌شود و ضمن تولید صدا، نور و گاز، اقدام به پاشیدن آب به صورت راننده می‌کند. این اختراع در اداره ثبت اختراعات و ابتکارات به ثبت رسیده است.

● بورسیه تحصیلی برای بومی‌ها

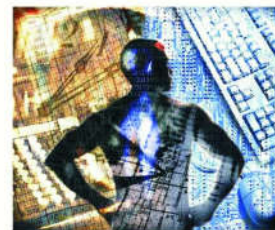
نزدیک به دو ماه از فاجعه ملی زلزله بم گذشته است؛ اما شنیدن بعضی چیزهای مربوط به این حادثه هنوز خواندنی است؛ از جمله اینکه دانشگاه بین‌المللی هاوایی به زلزله‌زدگان بم که واجد شرایط تحصیل در این دانشگاه باشند، بورسیه تحصیلی می‌دهد. امید که با این اقدام، جوانان مستعد بومی بتوانند در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا، از آموزش رایگان راه دور این دانشگاه استفاده کنند.

چهار، پدیده‌ای نادر در مصر اتفاق افتاد. در یکی از روستاها از یک خرگوش، چهاربچه خرگوش و یک بچه فیل متولد شد. مرد صاحب این خرگوش عجیب هم بلافاصله بچه فیل را در یخچال مخصوص گذاشت و مرکز تحقیقات دامپزشکی را مطلع کرد. پژوهشگران هنوز از تولد این حیوان خارق‌العاده، شگفت‌زده‌اند و به نتیجه‌ای نرسیده‌اند.



● مرخصی زایمان برای پدران انگلیسی!

گویا وزیر تجارت و صنعت انگلیس به این نتیجه رسیده‌اند که پدران هم می‌توانند نقش مؤثری در تربیت کودکان ایفا کنند. آنان اعلام کرده‌اند، پدران در این کشور می‌توانند برای مراقبت از کودکان خود شش ماه به مرخصی بروند. بد نیست بدانید، بعد از آنکه با دو برابر شدن مرخصی شش‌ماه پس از زایمان مادران موافقت شد، بسیاری از شهروندان خواستار شش‌ماه مرخصی نیز برای پدران شدند.



● کشف بزرگترین عدد اول جهان

بالاخره بزرگترین عدد اول جهان توسط یک دانشجوی بیست و شش ساله آمریکایی کشف کرد. این عدد اول شش میلیون و سیصد و بیست هزار و چهارصد و سی رقم دارد و با صرف دویست هزار ساعت محاسبه رایانه کشف شده است. یک موقع با خواندن این عدد تصور نکنید، خیلی بی‌سواید. شما که سهل است، بهترین ریاضیدان‌های دنیا هم حداقل دویست هزار ساعت طول



● گاو شکمویی که هزار و هفتصد تکه الماس بلعید

جدیداً گاوها هم پرستیزشان تغییر کرده و ترجیح می‌دهند به جای علف، الماس نوش‌جان کنند(!) یکی از همین گاوهایی با کلاس که متعلق به یک کشاورز هندیست، هزار و هفتصد تکه الماسی را که کشاورز در گونی بزرگ پوشالی و حصیربالای سقف خانه روستایی پنهان کرده بود، با آرامش بلعیده است. پیرمرد بیچاره هم بی‌صبرانه منتظر است تا گاوش، الماس‌هایی را که خورده پس دهد. به همین خاطر مدتی است که غذاهای اسهال آور به گاو می‌دهد. فعلاً با این روش، سیصد تکه از الماس‌ها را پس گرفته...



● سگی که جان چهار نفر را نجات داد

شنیده‌اید که سگ حیوان با وفایی است. به تازگی در ملبورن استرالیا یک سگ راهنما، بعد از مشاهده آتشی که از سقف، منزل مسکونی را فراگرفته بود، با پارس کردن‌های ممتد، صاحب نابینایش را از وقوع حادثه با خبر می‌کند. صاحبخانه نابینا هم، دو فرزند نوجوانش را به همراه میهمانی که در خواب بودند، به موقع بیدار کرده و همگی سالم از خانه خارج می‌شوند.

● خرگوشی که فیل زاید!

در ساعت‌های اولیه سال دوهزار و

● کوری دختر سیزده ساله

برنامه‌های کودک و نوجوان پر شده است از کارتون‌ها و فیلم‌های خارجی‌ای که دختر و پسرهای نوجوان، روابط دوستانه و معمولی باهم دارند. نتیجه‌اش را هم می‌توان در این خبر دید: سه نوجوان پسر (شانزده تا هیجده ساله) در حین شوخی و بازی‌های کودکانه، با ترکیب آب و آهک و قرار دادن مواد شیمیایی در یک بطری نوشابه و پرتاب آن به سوی فرزانه سیزده ساله، او را از دو چشم نابینا کردند. به نظر شما اگر مثل قدیم، دخترها با هم و پسرها با هم و با تناسب روحیاتشان، بازی و شوخی کنند، باز هم این اتفاقی‌ها می‌افتد؟

● وقتی سوغاتی، سلاح کمری باشد...

به قول سردبیر محترم بازار رفتن به کربلا گرم است، اما یک جوان خرم‌آبادی هم از این گرمی استفاده کرد و موقع بازگشت از زیارت عتبات عالیات، یک قبضه سلاح کمری با مارک «طارق عزیز» از کشور عراق خریده و همراه خودش به ایران آورده، بعد هم با شوخی سلاح را سمت برادر بیست و یک ساله تازه دامادش نشانه گرفته و به قصد ترساندن با شلیک هوایی ماشه را چکانده، غافل از اینکه گلوله به سر تازه داماد اصابت می‌کند و نقش زمین می‌شود بیست و چهار ساعت بعد...

● مستربین افسرده شد

روان اتکینسون، معروف به مستربین در معرض یک افسردگی شدید قرار گرفته است. او در یک کلینیک در آریزونا آمریکا بستری شده است. این کم‌دین مشهور انگلیسی ظاهراً از عدم توجه به انتقادهای تند منتقدین نسبت به آخرین فیلمش «جانی انگلیش» بسیار رنجیده است. شانس آوردیم که این فیلم در جدول پرفروش‌ترین فیلم‌های سال گذشته مسیحی و در مقام پنجم قرار گرفته والا حتماً مستربین خودکشی می‌کرد(!) یکی نیست بگوید تو که ظرفیت نداری، بی‌کار بودی بازیگر شوی؟